



An Examining Shaykh Tabarsi's Narrative-Based Approach in Preferring the Correct Recitation with Emphasis on the Recitations (Qira'at) of Ahl al-Bayt (AS)*

Shahrebano Abbaszadeh ¹ and Seyyed Mohsen Musavi ²

Abstract



Shaykh Tabarsi posited that the differences in Quranic recitations (qira'at) arose subsequent to the Quran's revelation. Employing a narrative-driven methodology, he aimed to ascertain or, at the very least, favor the recitation that was divinely revealed. His evaluation of recitation preferences was neither simplistic nor prejudiced; on occasion, he prioritized alternative recitations (qira'at) over those attributed to Ahl al-Bayt (AS), substantiating his selections with rationale. Nevertheless, he predominantly viewed the recitations of Ahl al-Bayt (AS) as more precise and preferable for a variety of reasons, which this study intends to investigate. The objective of this research is to present a novel framework for favoring recitations from Tabarsi's perspective, one that has not been documented in other literature, and to analyze it in light of the numerous pertinent examples found in his exegesis, *Majma' al-Bayan*. The central inquiry is: What criteria and foundational principles does Shaykh Tabarsi primarily utilize when determining the correct recitation, and what are the underlying reasons? This article employs a descriptive-analytical approach to scrutinize Shaykh Tabarsi's narrative-based methodology in selecting the correct recitation, particularly focusing on the readings of Ahl al-Bayt (AS). In addition to elucidating this methodology, the article addresses its importance from Tabarsi's perspective and illustrates its application with examples and the rationale behind his preferences. Ultimately, through an analysis of Tabarsi's commentary and his interpretations of various verses, it is concluded that Shaykh Tabarsi places significant emphasis on the narrative-based approach and the readings of Ahl al-Bayt (AS) in his selection of the correct recitation. For him, the hadith and narrations of Ahl al-Bayt (AS) serve as the paramount and most conclusive criteria in the realm of Quranic recitation. This conclusion arises from the fact that, among all recitations, the readings of Ahl al-Bayt (AS) rescue an individual from doubt in choosing the best recitation, as they are based on credible and universally accepted sources—namely, the narrations, the Quran, and consensus—which identify Ahl al-Bayt (AS) as the best models and inheritors of the Prophethood. Thus, relying on their recitations is the best option for selecting the correct recitation.

Keywords: Correct Recitation, Ahl al-Bayt's Recitation, Single Recitation, Recitation Variations, Narrative-Based Approach, Tabarsi, *Majma' al-Bayan*.

*. **Date of receiving:** 02/05/2023, **Date of approval:** 29/12/2023.

1. PhD Graduate in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Teachings, University of Mazandaran, Babolsar, Iran: shabbaszadeh@yahoo.com.

2. Seyyed Mohsen Musavi, Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Teachings, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. m.musavi@umz.ac.ir.



بررسی مبنای روایی شیخ طبرسی در ترجیح قرائت صحیح با تأکید بر قرائات اهل بیت ع*

شهربانو عباس زاده^۱ و سید محسن موسوی^۲



چکیده

شیخ طبرسی اختلاف در قرائت‌ها را متعلق به دوره پس از نزول قرآن می‌داند. او با اتخاذ مبنای روایی، تلاش می‌کند تا قرائت وحیانی را به صورت قطعی تعیین یا به طور ظنی ترجیح دهد. وی در ترجیح قرائات، نه یک‌جانبه و متعصبانه عمل می‌کند و نه به صورت یک‌طرفه قرائات دیگر را نادیده می‌گیرد؛ بلکه گاهی قرائات دیگری را بر قرائت اهل بیت علیهم‌السلام ترجیح می‌دهد و دلایل آن را نیز بیان می‌کند. اما در اکثر موارد، قرائت اهل بیت علیهم‌السلام را به دلایل مختلف، صحیح‌تر و ارجح‌تر می‌داند، که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته می‌شود. هدف از این پژوهش، شناساندن یک مبنای جدید در ترجیح قرائات از دیدگاه طبرسی است که در هیچ منبعی به آن اشاره نشده و با توجه به وفور موارد و مثال‌های مرتبط در تفسیر "مجمع البیان"، تصمیم به بررسی آن گرفته شده است. سؤال اصلی این است که شیخ طبرسی در ترجیح قرائت صحیح، بیشتر به کدام معیار و مبنا تکیه می‌کند و چرا؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مبنای روایی شیخ طبرسی در ترجیح قرائت صحیح، با تأکید بر قرائات اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد. علاوه بر توضیح این مبنا، جایگاه آن از نظر طبرسی نیز بیان می‌شود و سپس مصادیق آن با دلایل ترجیح ذکر می‌گردد. در نهایت، با بررسی کتاب و نظرات طبرسی در ذیل آیات مختلف، به این نتیجه می‌رسیم که شیخ طبرسی در انتخاب قرائت صحیح، بیشتر بر مبنای روایی و قرائت اهل بیت علیهم‌السلام تأکید دارد و حدیث و روایت اهل بیت علیهم‌السلام در قرائت قرآن از نظر او بالاترین و قطعی‌ترین معیار است. این نتیجه از اینجا به دست می‌آید که از میان تمام قرائات، قرائت اهل بیت علیهم‌السلام فرد را از تردید در انتخاب بهترین قرائت نجات می‌دهد؛ زیرا بر اساس منابع معتبر و مورد تأیید مسلمانان، یعنی روایات، قرآن و اجماع، اهل بیت علیهم‌السلام بهترین الگو و میراث‌دار نبوت هستند و استناد به قرائات آن‌ها، بهترین گزینه در انتخاب قرائت صحیح است.

واژگان کلیدی: قرائت صحیح، قرائت اهل بیت علیهم‌السلام، قرائت واحد، اختلاف قرائت، مبنای روایی، طبرسی، مجمع البیان.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷.

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: shabbaszadeh@yahoo.com.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: m.musavi@umz.ac.ir.



مقدمه

شیخ طبرسی معتقد است که قرآن با قرائت واحدی بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده و ایشان نیز همان قرائت را به مسلمانان آموزش داده و همگان را به یادگیری آن دعوت کرده است. از این رو، اختلاف در قرائات را پدیده‌ای مربوط به دوره پس از نزول قرآن می‌داند* و آن را ناشی از اشتباهات قاریان می‌بیند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۷۹/۱). وی بر این باور است که شیعه، قرائت مشهور را بیشتر قبول دارد و به تمامی قرائاتی که در میان قراء جایز است، عمل می‌کند و به یک قرائت محدود نمی‌شود (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۱۲/۱).

رویکرد طبرسی در نقل روایات، محدود به نقل مشهور و قرائت اهل بیت (علیهم السلام) نیست؛ بلکه در برخی موارد، به نقل قرائات شاذ نیز می‌پردازد و حتی گاهی روایت شعبه بن عیاش را بر حفص از عاصم ترجیح می‌دهد. به اعتقاد او، الفاظ قرآنی از آفت ضیاع مصون مانده‌اند^۱ (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۸۳/۱ و ۸۴). در میان قرائات مختلف، یک قرائت وحیانی و حقیقی وجود دارد که ممکن است میان سایر قرائات مردود باشد و این امر وظیفه جدیدی را برای قرآن‌شناسان در ردیابی قرائت اصیل ایجاد می‌کند.

اگر بخواهیم مبنای قرائات مختلف قرآن را بررسی کنیم، به موارد زیر می‌رسیم: ۱. مراتب طولی و عرضی فهم قرآن؛ ۲. مبنای هرمنوتیکی؛ ۳. مبنای زبانی؛ ۴. مبنای تجربی؛ ۵. مبنای تکامل معرفت دینی. به طور کلی، مبنای روایی در حوزه زبانی قابل ذکر است، زیرا سایر مبنای مربوط به دوره پس از قرائت اهل بیت (مبنای روایی) هستند و بیشتر در حوزه تفسیر کاربرد دارند نه قرائت.

مبنای «ترجیح» قرائات از نظر طبرسی عبارتند از: ۱. مبنای روایی؛ ۲. مبنای تفسیری و رفع ابهام؛ ۳. مبنای قواعدی و ادبیات عرب. در بررسی مبنای روایی، این نتیجه به دست می‌آید که روایات یا در حوزه اختلاف قرائت هستند که به صیانت قرآن لطمه‌ای نمی‌زند، یا در مقام تفسیر که ذیل اختلاف قرائت آمده است، یا تفردات خلیفه دوم و منسوب به اهل بیت ﷺ است. (ر؛ ک؛ قاسمی حامد، ۱۴۰۲)

*. این اختلافات عبارتند از: ۱. اعراب کلمات: که تفاوتی در صورت نوشتن و معنای آنها پدید نمی‌آورد مانند کلمه «فیضاعفه» که (فاء) را برفع یا نصب خوانده‌اند؛ ۲. اختلاف در اعراب که منجر به تغییر معنا می‌شود نه صورت، مانند «إِذْ تَلَقَّوْهُ» با تشدید و یا بدون آن (نور: ۱۵). اختلاف حروف که تنها معنا را تغییر می‌دهد: «كَيْفَ تُنْشِئُهَا» یا «كَيْفَ تُنْشِئُهَا» (بقره: ۲۵۹)؛ ۳. اختلاف حروف که تنها صورت را تغییر می‌دهد: «...إِلَّا صَیْحَةً وَاحِدَةً» یا «...إِلَّا زَقِيَّةً وَاحِدَةً» (یوسف: ۲۹)؛ ۴. اختلاف کلمات که هم صورت و هم معنا را تغییر می‌دهد: «طَلَعَ مَطْشُودٌ» یا «طَلَعَ مَطْشُودٌ»؛ ۵. جابه‌جایی کلمات: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْحَقِّ» یا «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۲۰).

۱. هیچ بخشی از قرآن نابود نشده و این‌گونه نیست که بخشی از قرآن از دسترس مسلمانان خارج شده و آن‌ها از آن بی‌اطلاع باشند.

روش طبرسی در برخورد با قرائات مختلف در مجمع البیان به این صورت است که ابتدا در بخش «القراءة» به ذکر اختلاف قرائات می‌پردازد و سپس در بخش «الحججه» یک قرائت را بر اساس منابع متقدم ترجیح می‌دهد. یکی از این ترجیحات قرائت اهل بیت علیهم السلام است. در بخش «المعنی» که بخشی تفسیری بر اساس قرائت منتخب است، به تفسیر آیه بر اساس آن قرائت صحیح می‌پردازد. این بخش شاید دلیلی باشد بر ترجیح یک قرائت بر دیگری.

در این پژوهش، بخش‌هایی از مجمع البیان که در آن‌ها قرائات اهل بیت علیهم السلام نقل شده، به عنوان منبع اصلی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که شیخ طبرسی با قرائت اهل بیت علیهم السلام چگونه برخورد کرده است؟ آیا این قرائت را نسبت به سایر قرائات ترجیح می‌دهد؟ و اگر چنین است، به چه دلیل؟ همچنین، جایگاه استفاده از این مبنای مهم در آثار طبرسی چیست و تا چه اندازه از آن بهره گرفته است؟

به این نتیجه می‌رسیم که شیخ طبرسی در برخی موارد برای تأیید نقل‌های دیگران و گاهی برای رد دیدگاه‌های مخالف، از معیار روایی و قرائت اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌کند. در برخی موارد، روایات یا احادیثی وجود دارد که با قرائت مشهور مخالف است و گاهی روایتی از غیر اهل بیت علیهم السلام ترجیح داده می‌شود. در مواقعی نیز روایتی که با سیاق و تفسیر آیه هماهنگ است، ترجیح داده می‌شود. از دلایل اهمیت این موضوع، اولین آیه نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله (اقرأ باسم ربك...) و تأثیر مستقیم قرائت بر تفسیر و فهم قرآن است. همچنین، اعتقاد شیخ طبرسی که دیدگاه کسانی که قرآن و قرائت را دو امر جدا از هم می‌دانند، قبول ندارد (معرفت، التمهید، ۱۴۱۵: ۱۴۵/۲).

ضرورت بررسی این موضوع از اینجا ناشی می‌شود که در آثار نوشته شده در این زمینه، کمتر به اهل بیت علیهم السلام و قرائت آن‌ها پرداخته شده است. بسیاری از تحقیقات بیشتر به قرائات حفص و عاصم پرداخته‌اند و جای بررسی قرائات اهل بیت علیهم السلام خالی است. اهمیت قرائت اهل بیت علیهم السلام در میان سایر قرائات نیز موضوعی است که نیاز به بررسی دقیق دارد.

در این مقاله، مبنای روایی به معنای روایات و قرائات اهل بیت علیهم السلام در ذیل آیات مختلف از دیدگاه شیخ طبرسی بررسی می‌شود (ر؛ ک: دهقانی، ۱۴۰۲) و نوع برخورد وی با این قرائات و روایات مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در بررسی پیشینه این بحث، به چندین اثر می‌توان اشاره کرد که هرکدام به نوعی به این موضوع پرداخته‌اند:

۱. حاجی اکبری (۱۳۹۰)، پایان‌نامه «بررسی اختلاف قرائات در مجمع البیان».
۲. علوی (۱۳۹۲)، پایان‌نامه «بررسی اختلاف قرائات و نظام ترجیح قرائت‌ها در تفسیر مجمع البیان».



۳. نجمه گراوند و دیگران (۱۳۹۲)، مقاله «بررسی چگونگی تأثیر اختلاف قرائات در برداشت‌های تفسیری مجمع البیان» (ص ۱۰۵-۱۲۴).
 ۴. علوی (تابستان ۱۳۹۲)، مقاله «ترجیح روایت (ابوبکر شعبه بن عیاش) بر روایت حفص از قرائت عاصم در تفسیر مجمع البیان» (ص ۸۷-۱۰۶).
 ۵. نوری (۱۳۹۳)، مقاله «قرائات منسوب به اهل بیت».
 ۶. ذوقی (۱۳۹۶)، کتاب «ملاک‌های ترجیح قرائت و توسعه آن».
 ۷. مودب، سید رضا؛ خوشنویس، علی، مقاله «بررسی چستی و جایگاه مبانی زبانی- ادبی در اختیار قرائات در تفسیر مجمع البیان».
- این آثار به‌صورت غیرمستقیم به این مبحث پرداخته‌اند. برخی تنها به بررسی یک قاری پرداخته‌اند و موضوعات آن‌ها برای یافتن قرائت صحیح و ترجیح یک قرائت کافی نیست. هدف این پژوهش ارائه مبنا، ویژگی‌ها، و جایگاه ویژه حدیث و روایت در ترجیح قرائت صحیح است.
- از آنجایی که حدیث و روایت پس از قرآن جایگاه بسیار ویژه‌ای نزد مسلمانان دارد، اگر قرار بر ترجیح یک قرائت باشد، مطمئن‌ترین مبنا، همان مبنای روایت و حدیث است که از اهل بیت علیهم‌السلام نیز نقل شده است. (در مورد ارزش‌گذاری قرائات اهل بیت علیهم‌السلام، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد، به‌عنوان مثال، حدیث ثقلین که قرآن و عترت را هم‌ردیف قرار می‌دهد، و همچنین حدیث کساء و سایر موارد که مجالی برای ذکر همه نیست). این مبنا، شک و شبهه‌ای برای بررسی بیشتر باقی نمی‌گذارد.
- اهمیت و ضرورت قرائت قرآن از آن جهت است که قرائت‌ها می‌توانند منجر به برداشت‌های مختلف از قرآن شوند. برخورد شیخ طبرسی در مواجهه با اختلاف قرائات به این صورت بوده است که گاهی یک قرائت را رد کرده و دیگری را تأیید می‌کند، گاهی تمام قرائات وارده را بر اساس معیار خود صحیح می‌داند و در برخی موارد تنها به نقل روایات اکتفا کرده و هیچ انتخاب و ترجیحی ارائه نمی‌دهد.
- در مقام مقایسه، در ترجیح این نوع قرائت، مولف (طبرسی) نسبت به دیگر مبانی کمتر بهره جسته است. شاید دلیل آن کم بودن احادیث و روایات نقل شده از اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه باشد یا اینکه در زمان نزول آیات، اختلافات کمتری در قرائت وجود داشته و اهل بیت علیهم‌السلام در آن مورد نقلی نداشتند.
- آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است، دیدگاه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در قرائت و در مرحله بعد، برخورد شیخ طبرسی با این روایات و دلایل ترجیح ایشان نسبت به سایر قرائات است. بر این اساس، بخش‌هایی که شیخ طبرسی بر اساس روایات و احادیث، یک قرائت (اهل بیت علیهم‌السلام) را انتخاب می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. اهمیت قرائت و قرائت اهل بیت (علیهم السلام)

نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد با «إقرأ» آغاز گردید؛ این نشان می‌دهد که قرائت و آموزش از نعمات بزرگ الهی، هم‌تراز با آفرینش و خلقت است. فرمان «قرائت» (قرائت آیات نازل شده) ابتدا توسط خود پیامبر ﷺ اجرا شد و سپس به سنت نبوی و برنامه اصحاب و مسلمانان تبدیل گردید (سیوطی، ۱۳۸۰: ۳۲۳/۱؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۳۴-۳۵ و ۴۱-۴۳). پیامبر اکرم ﷺ آیات را پس از نزول، توسط فرشته وحی بر مردم می‌خواند (نمل: ۹۱-۹۲)، و تمام اصحاب موظف بودند که این آیات را در نماز و غیر آن تلاوت کنند (مزمّل: ۲۰)، زیرا آیات الهی از نظر معنویت دینی، معارف الهی، و مکارم اخلاقی، برایشان خیر و برکت به همراه داشت.

با توجه به این توضیحات، قرائت قرآن از موارد بسیار مهم و اساسی برای درک کامل این معارف است. بنابراین، باید از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد و تا زمانی که قرائت درست و صحیح (مطابق با وحی) انجام نشود، نمی‌توان به معارف و حقایق قرآن عمل کرد. قرائت صحیح نیز جز قرائت اهل بیت ﷺ نمی‌تواند باشد؛ زیرا حتی اگر یک قاری خوب، سرشناس و قابل اعتماد باشد، باز هم نیاز به بررسی و تحقیق دارد که آیا آن قرائت واقعاً از اهل بیت ﷺ نقل شده یا خیر. بنابراین، برای انتخاب یک قرائت صحیح و در زمان کمتر، بهترین روش، مراجعه به احادیث و روایات اهل بیت ﷺ است که هم صرفه‌جویی در زمان و هم روشن‌گری مسیر را به همراه دارد.

مرحوم طبرسی نیز در قرائت قرآن، بهترین روش را روش نقلی می‌داند و چه بهتر که این نقل از اهل بیت ﷺ باشد. از آنجایی که مرحوم طبرسی توسل به ادله زبان‌شناختی (زبانی و ادبی) را برای تأسیس یک قرائت محکوم می‌کند، در عین حال استفاده از آنها را در مواقع اختلاف برای تبدیل علم اجمالی مقبول می‌داند (مودب، ۱۳۹۷: ۱۱).

با توجه به اینکه اختلاف قرائت‌ها و شناخت قرائت واقعی آیات از مهم‌ترین مبانی قواعد تفسیری است (رجبی، ۱۳۹۱: ۴)، نقش اختلاف قرائت در برداشت از آیات قرآن بسیار تأثیرگذار است. با توجه به اینکه پیامبر ﷺ گیرنده وحی و مسئول ابلاغ آن به مردم بود، بهترین قاری و مفسر قرآن محسوب می‌شود و اهل بیت ﷺ نیز در این مسیر با ایشان هم‌عقیده هستند؛ بنابراین، بهترین و واقعی‌ترین قرائت، قرائتی است که از سوی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ به ما رسیده باشد.

با توجه به اینکه قرائت‌های گوناگون می‌توانند معانی آیات را تغییر دهند، شناخت قرائت اهل بیت ﷺ برای ما ضروری است (رجبی، ۱۳۹۱: ۴۶). به همین دلیل، بهترین قرائت قرآن، قرائتی است که از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ نقل شده باشد و این دلایل، باعث انتخاب و بررسی این موضوع شد.



تفسیر مجمع البیان یکی از تفاسیر مهم جهان تشیع محسوب می شود که اختلاف قرائت ها بخشی مهم از این تفسیر گران بها است. شیخ طبرسی در مواجهه با این اختلاف قرائت ها به چند روش عمل کرده است؛ گاه یک قرائت را رد کرده و دیگری را تأیید می کند، گاهی تمام قرائت ها را صحیح می داند و گاهی نیز کاملاً بی طرفانه عمل می کند.

این اختلاف قرائات، از جانب خدا و رسولش نبوده بلکه از جانب مردم پدید آمده است؛ چنان که در این زمینه نیز روایاتی از ائمه علیهم السلام رسیده است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «قرآن یکی است و از جانب یکی نازل شده است، اما این اختلاف قرائات از جانب قاریان پدید می آید» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴/۴۳۹). ائمه علیهم السلام با این سخنان، قرائاتی را که در زمان خود در میان قاریان رواج داشته است، با وجود اختلافاتی که با یکدیگر داشته اند، تجویز فرموده اند (نکونام، ۱۳۸۲: ۲۴۳).

اهل بیت علیهم السلام اختلاف قرائت ها را پذیرفته و بر اساس آنها آیات را نیز تفسیر کرده اند. در کتاب های تفسیری، قرائت های متفاوتی از آیات قرآن از امام علی علیه السلام نقل شده است. منابعی که دیدگاه های تفسیری و قرائت امام علی علیه السلام را نقل کرده اند، قرائت های بسیاری را از آن حضرت آورده اند که با قرائت حفص تفاوت دارد؛ هرچند، قرائت حفص نیز از امام علی علیه السلام گرفته شده است.*

ب. معنای قرائت صحیح

قرائت، یعنی خوانشی از کلمات قرآن که خداوند با آن خوانش، قرآن را بر پیامبر نازل کرد و پیامبر نیز با همان خوانش قرآن را قرائت می کرد. بنابراین، بهترین قرائت، آن است که به صورت روایت و حدیث از خود پیامبر و اهل بیت او به ما رسیده باشد، چرا که این قرائت از اختلافاتی که سایر قرائات دارند، مصون است. از آنجایی که اهل بیت علیهم السلام معصوم هستند و از خطا و گناه به دورند، بهترین منبع برای انتقال قرائت صحیح محسوب می شوند.

قرائتی که بر اساس منابع تاریخی و روایی باشد و شاهی بر وجود قرائتی دیگر برای آن وجود نداشته باشد، به عنوان قرائت واقعی (صحیح) شناخته می شود. قرائت مشهور در تمامی دوران ها، یا در صدر اسلام، و همچنین قرائتی که مطابق با قواعد مسلم ادبی و برهان های قطعی عقلی و موافق با صریح آیات و روایات یا از طریق قطعی از معصومان نقل شده باشد، قرائت واقعی (صحیح) است (رجبی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۷).

* (برای نمونه، نك: قرطبی، جامع الاحکام، ۱۳۶۴: ۱۷۱/۱، ۱۷۰/۲، ۴۱۶/۶، ۴۳۹: ۵۸/۷، ۹۸، ۱۲۳، ۱۴۹، ۲۶۲، ۲۹۳: ۳۸۱/۸).
 ۴۵/۹، ۱۶۳، ۳۲۱: ۲۳۲/۱۰، ۳۲۶/۱۳، ۳۲۲/۱۴، ۳۲۲/۱۵، ۷۵، ۶۶/۱۶، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۵۱: مرادی، ۱۳۸۲: ۵۱).

مقصود از قرائت صحیح در حدیث «من لا قراءة له لا صلاة له» این است که کسی که قرائت ندارد، نمازش نیز نماز نیست. در تعریف قرائت، رعایت وقف‌ها و ادای حروف از مخارج صحیح آنها، مانند مخرج زاء و طاء، تا اوائل دهان، و طاء و دال از وسط زبان، و موارد مشابه که از اواخر دهان یا از حلق ادا می‌شود، مورد نظر است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۰/۵۶۹). منظور از قرائت واقعی و صحیح، قرائتی است که مطابق با تلاوت پیامبر ﷺ بر مردم باشد (متقی هندی، ۱۴۱۳: ۲/۴۹).

راه‌های دستیابی به قرائت واقعی (صحیح) عبارتند از:

۱. سیره عملی مسلمانان: قرائتی که مطابق با سیره مسلمانان باشد، قطعاً همان قرائت پیامبر ﷺ است.
 ۲. شهرت قرائت: قرائتی که از پیامبر ﷺ و اهل بیت او در بین مسلمانان مشهور باشد، به عنوان قرائت واقعی در نظر گرفته می‌شود.
 ۳. قرائت متواتر: قرائتی که از طریق تواتر نقل شده باشد.
 ۴. شهرت قرائت در صدر اسلام: از آنجا که قرائت پیامبر ﷺ در صدر اسلام به‌طور طبیعی رایج بوده است، قرائت پیامبر و اهل بیت او در آن زمان بین مسلمین مشهور بوده و به عنوان قرائت واقعی تلقی می‌شود.
 ۵. سازگاری با مسلمات عقلی، نقلی و ادبی: از آنجا که قرآن در بالاترین حد فصاحت و بلاغت قرار دارد، هر قرائتی که مخالف مسلمات ادبیات باشد، فاقد فصاحت و بلاغت است و حتی اگر مشهور هم باشد، قرائت واقعی محسوب نمی‌شود. قرآن هیچ سخنی برخلاف سخن و روایات اهل بیت ﷺ ندارد، بنابراین، قرائت اهل بیت که با عقل، نقل، و ادبیات سازگار است، قرائت واقعی و صحیح محسوب می‌شود. قرائتی که با مسلمات عقلی، نقلی، و ادبی سازگار باشد، در صورتی قرائت واقعی (صحیح) است که موافق با قرائت اهل بیت ﷺ باشد (رجبی، ۱۳۹۱: ۳۸-۴۱).
- از آنجایی که قرائت اهل بیت ﷺ دارای تمامی این ویژگی‌هاست، به عنوان قرائت صحیح قلمداد می‌شود.

ج. نحوه برخورد طبرسی با اسناد روایی

طبرسی در نقل روایت‌ها گاهی سلسله سند را حذف کرده و فقط به ذکر چند راوی اکتفا می‌کند، که این رویکرد به دلیل اختصار، اجمال، و گزیده‌گویی در تفسیرش بوده است. از جمله دلایل انتخاب این روش می‌توان به سندشناسی و اهمیت ندادن به نقل روایت بدون تنقیح سند و اعتبار منبع اشاره کرد. او در مقدمه تفسیر مجمع البیان، در نقل روایت متواتر ثقلین، می‌نویسد: «من این گونه روایات را به خاطر خلاصه‌تر شدن و مشهوریت آنها حذف می‌کنم» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۱۰/۱). به عنوان مثال، در تبیین کلمه «سائحون» (توبه: ۱۱۲)، طبرسی روایت مرفوعی از پیامبر ﷺ را نقل می‌کند که می‌فرماید: «سیاحت امت من روزه گرفتن است» (همان، ۱۱۴/۵). او همچنین پس از تفسیر، داستان گفتگوی زهری و امام سجاد ﷺ را در مسیر مکه بدون سند نقل می‌کند (همان، ۱۱۴/۵-۱۱۵).



در مجمع البیان، تنها یک روایت از اهل بیت با سند ذکر شده و ۱۴۴ روایت دیگر بدون سند آمده‌اند. برخی از این روایات اهل بیت شاذ هستند، برخی با روایت حفص مخالفت دارند، و برخی نیز از نظر حاجی نوری دلالت بر تحریف دارند (ر.ک: نوری و بیدگلی، ۱۳۹۳: ۸-۹) این موضوع گاهی باعث ایجاد شک و ابهام در ارتباط با قرائات اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی همان روایات و قرائات ذکر شده اهل بیت از دیدگاه طبرسی است، با تمرکز بیشتر بر محتوای قرائات و نه ذکر سند. هرچند صحت سند در درستی یک روایت و قرائت نقش مهمی دارد، اما مبنای کار ما نیست و این موضوع نیازمند پژوهشی جداگانه است.

د. بررسی مبنای روایی در ترجیح قرائت صحیح از نظر طبرسی

مبنای روایی در ترجیح قرائت صحیح نزد طبرسی، یکی از موضوعات کلیدی در فهم تفسیری ایشان است. این بررسی به چگونگی استناد طبرسی به احادیث و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و معیارهای او در انتخاب و ترجیح قرائات می‌پردازد.

ترجیح روایت و قرائات اهل بیت علیهم‌السلام

در بررسی تفسیر مجمع البیان، طبرسی گاهی تمامی اقوال و نظرات مربوط به قرائت‌های مختلف را بیان می‌کند و در نهایت یک قرائت را با ارائه دلیل ترجیح می‌دهد. در برخی موارد نیز قرائت اهل بیت علیهم‌السلام را بر دیگر قرائات‌ها مرجح می‌داند. در این بخش به توضیح بیشتر معیارهای طبرسی در ترجیح قرائت اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته می‌شود. طبرسی در استناد به روایت اهل بیت علیهم‌السلام و ترجیح آن دلایل مختلفی داشته که از بطن متن تفسیرش به وضوح مشخص است. البته گاهی نیز در ترجیح قرائت، قرائت غیر اهل بیت علیهم‌السلام را مرجح می‌داند. در ادامه، نحوه برخورد شیخ طبرسی با قرائت اهل بیت علیهم‌السلام با دلایل و مثال‌های کامل بیان می‌شود.

۱. ترجیح روایت اهل بیت علیهم‌السلام برای تأکید و تأیید بیشتر

شیخ طبرسی در ترجیح برخی قرائات، برای تأیید و تأکید بیشتر استدلال خود، یک روایت از اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان شاهد می‌آورد. به عنوان مثال، در قرائت «کهیص» (مریم: ۱۹)، به نقل از ابن عباس، هرکدام از حروف به حرف اول یکی از صفات خداوند (کریم، هادی، حکیم، علیم، صادق) اشاره دارد. در نهایت، طبرسی با نقل روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در دعا می‌فرمود: «اسألك يا كهيص» (طبرسی، مجمع البیان، ۷۷۵/۶: ۱۴۰۸)، این قرائت را مستحکم‌تر و مورد تأیید قرار می‌دهد.

۲. ترجیح بر اساس حکم شرعی

در قرائت کلمه «لامستم» (نساء: ۴۳؛ مائده: ۶)، طبرسی دو نوع روایت را بیان کرده و برای هر کدام دلیل می‌آورد:

«لامستم» (به نقل از اهل کوفه، به جز عاصم) که در موارد متعدد آیات قرآن، این واژه به شکل ثلاثی مجرد ﴿وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ﴾ (مریم: ۲۰) آمده و به معنی لمس با دست بدون جماع است. دیگران نیز این قرائت را تأیید کرده‌اند.

«لامستم» (به نقل از دیگران): در اینجا «لمس» و «لامس» هم معنی هستند. در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، منظور از «أَوْ لَمْ يَمَسِّنِي الْنَّسَاءُ» جماع است، به نقل از حضرت علی (علیه‌السلام)، امام صادق (علیه‌السلام)، ابن عباس، مجاهد و سدی (طبرسی، ۱۴۰۸: ۸۱/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۵/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴۸۴/۱). در اینجا طبرسی لمس و ملاسمه را هم معنی می‌داند و دلیل آن را این گونه بیان می‌کند: هر گاه یکی (زن و مرد) دیگری را لمس کرد، دیگری هم او را لمس می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۸۱/۳)؛ به نظر می‌رسد که شیخ در اینجا غیرمستقیم به معنای جماع اشاره می‌کند و روایت اهل بیت (علیهم‌السلام) را به دلیل حکم شرعی آن ترجیح می‌دهد. در ادامه نیز به طور مستقیم بیان می‌کند که: «قرائت صحیح، همان است که به معنای جماع است (لامستم)؛ زیرا خداوند حکم جنب را در صورت وجود آب ذکر کرده، پس باید حکم آن را در نبود آب نیز بررسی کرد، و نیز باید تمام اقسام محدث بیان شود» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۸۲/۳)؛ به عبارت دیگر، چون آیه در مورد وضو و مبطلات آن (محدث) است، لذا قطعاً منظور آن لمس ساده نیست، بلکه عملی است که شخص باید غسل کند، بنابراین صحیح همان قرائت حضرت علی (علیه‌السلام) (لامستم: جماع) است.

۳. ترجیح بر اساس معیار سیاق و تفسیر

یکی دیگر از دلایل ترجیح قرائت توسط طبرسی، صحیح بودن تفسیر با قرائت اهل بیت (علیهم‌السلام) و بر اساس سیاق جمله است. به عنوان مثال، در قرائت «امرنا» (اسراء: ۱۶)، برخی از افراد (علی (علیه‌السلام)، حسن، ابو عالیه، قتاده و...) این واژه را با فتح همزه و میم خوانده‌اند. برخی نیز «آمرنا» به معنی «اکثرنا» (یعقوب)، برخی «امَرنا» (ابن عباس و ابو عثمان نهدی)، و برخی نیز «امَرنا» را با فتح همزه و کسر میم (حسن و یحیی بن یعمر) خوانده‌اند. طبرسی بیان می‌کند که اگر «امَرنا» به معنای دستور دادن باشد، تنها افراد متنعم مکلف خواهند بود، در حالی که همه مردم مکلف هستند. و اگر به معنای امارت دادن باشد، باز هم صحیح نیست، زیرا در هر قریه‌ای یک امیر بیشتر نیست (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶۲۶/۶). بنابراین، صحیح‌ترین قرائت، همان قرائت اول (به معنای امر کردن به اطاعت) به نقل از حضرت علی (علیه‌السلام) است.



به استناد خود شیخ طبرسی، منظور این است که به آنها فرمان اطاعت می دهیم، اما آنها گناه و معصیت می کنند. شاهد مثال، آیه های قبل «مَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ» (اسراء: ۱۵) است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶۲۶/۶).

مورد بعدی قرائت «فَرَقْنَا» (اسراء: ۱۰۶) است که در میان قاریان مشهور به تخفیف قرائت شده است، اما حضرت علی علیه السلام، ابن مسعود، ابی بن کعب، شعبی و حسن آن را با تشدید قرائت کرده اند. این انتخاب بر این اساس است که قرآن به تدریج (آیه به آیه یا سوره به سوره) نازل شده و عبارت «علی مکث» نیز این نظر را تأیید می کند؛ یعنی قرآن را قسمت بندی کردیم و بخشی از آن را به عنوان نهی، بخشی را به عنوان امر و بخشی دیگر را به عنوان خبر قرار دادیم، و آن را یکجا نازل نکردیم. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶۸۷/۶ و ۶۸۸). بنابراین، با توجه به سیاق جمله و تفسیر آیه، بهترین قرائت همان قرائت منقول از حضرت علی علیه السلام است.

درباره قرائت «فَرَوْحٌ» (واقعه: ۸۹) از پیامبر صلی الله علیه و آله، امام باقر علیه السلام، ابن عباس، قتاده و حسن به ضمه راء نقل شده است، در حالی که دیگران به فتح راء قرائت کرده اند. برخی مانند ابن جنی این واژه را به معنی «روح» دانسته اند. «فَرَوْحٌ» به معنای داشتن روح یا راحتی و آسایش (از تکالیف دنیا و سختی ها) است (نقل از ابن عباس و مجاهد). منظور از این روح، روحی است که نفس انسانی از آن لذت می برد. حضرت صادق علیه السلام این آیه را درباره اهل ولایت (شیعیان) دانسته و «فَرَوْحٌ» را به معنای راحتی و آسایش در قبر می داند. زید بن علی علیه السلام نیز این آیه را درباره امیرالمؤمنین علیه السلام، امامان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده است که در قبرشان در روح و ریحان هستند. برخی روح را نجات از آتش و ریحان را دخول به بهشت دانسته اند و برخی نیز روح را در قبر و ریحان را در جنت و بهشت یا در قیامت می دانند. (طبرسی، بی تا، ۱۸۶/۲۴-۱۹۰). بنابراین، با توجه به تفسیر صحیح واژه «روح»، روایت پیامبر و امام باقر علیه السلام صحیح تر است.

قرائت «مُؤْمِنًا» (نساء: ۹۴) به نقل از امام باقر علیه السلام با فتح میم دوم قرائت می شود. در این صورت از [ریشه] امان است. معنی ادامه آیه «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْنَا نُؤْمِنُكُمْ» به این صورت است: به کسی که از در مسالمت و دوستی وارد می شود، نگوید: به شما امان نمی دهیم. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۴۴/۳). به وضوح مشخص است که قرائت امام باقر علیه السلام با توجه به معنی، تفسیر، و سیاق آیه صحیح است و معنی قرائت، امنیت دادن است. به عبارتی، اگر کسی تسلیم شما شد، به او امان دهید. چون آیه درباره جنگ و قتل است، بهترین قرائت که با این معنی سازگار باشد، همان قرائت امام باقر علیه السلام است.

کلمه «إِحْسَانًا» (أحقاف: ۱۵) نزد اهل کوفه به این صورت و نزد حضرت علی (علیه السلام) و ابی عبد الرحمن سلمی به صورت «حُسْنًا» قرائت شده است. حرف باء در «بِوَالِدَيْهِ» بهتر است متعلق به «وَصَيْنَا» باشد. هرکس «إِحْسَانًا» قرائت کرده، نصب آن بنا بر مصدر است؛ زیرا معنی «وَوَصَيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» این است که «او را به احسان امر کردیم». نصب «حُسْنًا» به «وَصَيْنَا» جایز نیست؛ زیرا «وَصَيْنَا» دو مفعول دارد: «الإنسان» و متعلق به باء جر گرفته است. هرکس «حُسْنًا» قرائت کرده، به این معناست که: به پدر و مادر نیکی کنند، نه بدی، و مؤید آن قرائت حضرت علی (علیه السلام) است. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۲۸/۹). مؤید دیگر برای قرائت حضرت علی (علیه السلام) آیه ۸ سوره عنکبوت است که به صورت «حُسْنًا» به کار رفته است. پس انتخاب این قرائت از طرف طبرسی کاملاً بلامانع و از لحاظ معنایی و تفسیری صحیح است. از آنجایی که نیکی به پدر و مادر یک صفت نیکو است، لذا در اینجا «حُسْنًا» نیز به عنوان یک صفت نیکو در قبال پدر و مادر از طرف فرزندان صورت می گیرد. شاید هدف انتشار این صفت نیکو باشد که هر فرزندی آن را باید در قبال پدر و مادر خود به کار گیرد.

گاهی شبیه بودن قرائت اهل بیت (علیهم السلام) از نظر معنا و تفسیر با قرائت مشهور دلیل صحیح بودن آن بوده است. مثلاً واژه «مُفَرِّطُونَ» (نحل: ۶۲) را نافع و قتیبه (از کسانی) به فاء ساکن و راء مکسور و دیگران به فاء ساکن و راء مفتوح قرائت کرده اند. امام باقر (علیه السلام) آن را به فتح فاء و کسر راء مشدد قرائت کرده است. اعرج نیز به فتح راء مشدد قرائت کرده است. «مُفَرِّطُونَ» و «مُفَرِّطُونَ» به نقل از ابن عباس به معنای «متروک» و «مقدم» آمده است. معنای متروک و مقدم، شبیه است (در آتش رها شدند). در باب تفعیل، یعنی: در دنیا نسبت به آخرت تفریط کردند و توجه نکردند و در باب افعال، یعنی در معصیت افراط کردند. در این صورت از «فَرَطَ» و به معنای سبقت به سوی آتش است. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۶۷/۶). در اینجا نیز قرائت اهل بیت (علیهم السلام) با قرائت مشهور متفاوت است، اما چون از نظر معنی و تفسیر مشابه هستند و تفاوتی ندارند (یکی از جهت سلبی و دیگری ایجابی یک صفت را قرائت کرده)، فلذا قرائت اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر طبق شباهت معنایی و تفسیری صحیح خواهد بود.

۴. ترجیح بر اساس قواعد عربی

مرجع ضمیر: قرائت «ابنه» در آیه «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ..» (هود: ۴۲) به نقل از حضرت علی (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) با فتح نون و هاء (ابنه، مخفف «ابنها») آمده است. عکرمه آن را «ابنها» خوانده است. مرجع ضمیر «ها» در اینجا زن نوح است، و از آنجا که پسر همسر نوح، پسر خود نوح نیز هست، مرجع ضمیر هر دو یکسان است، بنابراین هر دو قرائت به یک معنی اشاره دارند. نتیجه آنکه قرائت ائمه اطهار نیز از نظر معنا با قرائت عکرمه یکسان است. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۴۳/۵).



صفت و موصوف: در عبارت «من امر الله» (رعد: ۱۱) طبق قرائت مشهور، این عبارت به صورت مرفوع و به عنوان صفت «معقبات» (یعنی: او را تعقیب کنندگانی است از امر خداوند که او را حفظ می کنند) خوانده می شود. از امام صادق علیه السلام، علی علیه السلام، ابن عباس، عکرمه، زید بن علی، حسن، مجاهد و جبائی قرائت «یحفظونه بامر الله» روایت شده است. این مانند عبارت «هذا الامر بتدبیر فلان و من تدبیر فلان» است که تفاوتی میان «باء» و «من» نیست (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶/۴۲۸ و ۴۳۱). به هر حال، در این آیه نیز شیخ طبرسی به قرائت اهل بیت علیهم السلام توجه خاصی داشته و چون این قرائت از قاریان معتبر نقل شده، آن را صحیح و قابل قبول می داند، هرچند در ادامه توضیح می دهد که بین دو قرائت تفاوتی نمی بیند.

فعل متعدی: در عبارت «من کل» (ابراهیم: ۳۴) به نقل از یعقوب، ابن عباس، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، ضحاک و عمرو بن قانده به صورت تنوین دار قرائت شده است. دیگران بدون تنوین و اضافه به ما بعد آن خوانده اند. اگر این عبارت با تنوین خوانده شود، به دلیل ذکر مفعول در جمله است (یعنی: به شما آنچه را خواستید از هر چیزی داده است). در صورتی که این عبارت بدون تنوین و به صورت مضاف خوانده شود، مفعول محذوف خواهد بود. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶/۴۸۴). با توجه به اینکه فعل «أتی» در این آیه یک فعل متعدی است و نیازمند مفعول است، باید قرائتی را بپذیریم که باعث حذف مفعول نشود؛ بنابراین، قرائت اهل بیت علیهم السلام ارجح تر است.

حروف فعلی: قرائت «تهوی» (ابراهیم: ۳۷) از حضرت علی علیه السلام، امام صادق علیه السلام، و امام باقر علیه السلام با فتح واو آمده است. در این صورت، از «هوی یهوی» به معنای دوست داشتن است و به صورت متعدی آمده است. البته متعدی شدن به «الی» نیز صحیح است، زیرا محبت تمایلی است که متوجه دیگری خواهد بود. در قرائت مشهور (به کسر واو)، این واژه به معنای میل کردن است. امام باقر علیه السلام فرموده اند: مردم مأمورند به سوی ما کوچ کنند و ولایت شان به ما اعلام شده و ما را یاری کنند. سپس این آیه را قرائت کردند. قتاده و ابن عباس نیز «تَهْوِي إِلَيْهِمْ» را به معنای تمایل مردم به نسل ابراهیم دانسته اند. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶/۴۸۸ و ۴۹۰). از آنجایی که حرف جر «الی» در انتهای فعل نشان دهنده حرکت به سمت چیزی و میل و علاقه به سمت کسی است، بهترین قرائت همان است که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. جار و مجرور: قرائت «من خلاله» (روم: ۴۸) از حضرت علی علیه السلام، ابن عباس و ضحاک به صورت «من خلله» بدون الف نقل شده است. دلیل این است که «خلل» مفرد «خلال» و «خلال» خود مفرد بعد از «خلل» (برای آن کلمه) باشد. در ترکیبی مانند «اثر رحمت الله» که با تاء خوانده شود، گاهی اثر قائم مقام رحمت می شود. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۸/۴۸۲). برای توضیح بیشتر، در اینجا اثر جان شین رحمت شده و اثر رحمت خدا و خود رحمت خدا هر دو یک معنی را می دهند. زیرا نتیجه ای که از اثر رحمت و از خود رحمت به دست می آید، هر دو یکی است. در اینجا شیخ طبرسی برای قرائت اهل بیت علیهم السلام دلیل می آورد که این خود توجیهی برای ترجیح این قرائت می تواند باشد.

۵. ترجیح بدون معیار (ترجیح غیر مستقیم)

قرائت «لنحرقة» (طه: ۹۷) بر اساس قرائت امام علی (علیه السلام) و ابوجعفر با فتح نون، سکون حاء و تخفیف راء، به معنای «قطعه قطعه می کنیم» خوانده می شود (طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۵/۷). طبرسی در جایی دیگر این قرائت را به معنای ساییدن مجسمه گوساله با سوهان و تراشیدن کامل آن تفسیر کرده است. قرائت دیگر «لنحرقة» با تشدید راء که مشهورتر است، بر مبالغه دلالت دارد و نشان می دهد که مجسمه ای که از طلا و نقره ساخته شده و به حیوانی زنده تبدیل شده بود، به طور کامل سوزانده شده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۵/۲). اینکه شیخ طبرسی بدون ذکر هیچ نظر مخالفی قرائت امام را بیان کرده و سپس آن را ترجمه و تفسیر می کند، نشان دهنده دیدگاه مثبت او به این قرائت است. او همچنین با بیان اینکه معنای هر دو قرائت مشابه است و تنها قرائت با تشدید راء معنای مبالغه را القا می کند، این نظر را تقویت می کند که قرائت امام (علیه السلام) صحیح است.

در مورد قرائت «شغفها» در آیه «شغفها» (یوسف: ۳۰ و ۳۱)، از حضرت علی (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) و جمعی دیگر به صورت «شغفها» و از دیگران به صورت «شغفها» قرائت شده است. معنای «شغفها» رسیدن به حد نهایی محبت است، در حالی که معنای قرائت مشهور «شغفها» این است که دوستی و محبت او به «شغاف» (پرده دل) رسیده و قلبش را فراگرفته است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۵۱/۵). با توجه به اینکه محبت و عشق یک امر درونی و باطنی است، ارتباط دادن آن به مادیات و جسم (شغف: پرده دل) ممکن است صحیح نباشد. لذا طبرسی این قرائت را به طور غیر مستقیم ترجیح می دهد، شاید به این دلیل که نیازی به بیان علت آن ندیده است.

شیخ طبرسی در ترجیح قرائت صحیح، گاهی روایت و قرائت شاذ و غیر اهل بیت (علیهم السلام) را بر قرائت اهل بیت (علیهم السلام) ترجیح می دهد. او برای این ترجیح، گاهی حجت و دلیل می آورد و گاهی بدون دلیل آن را ترجیح می دهد. در ادامه، معیارهای شیخ برای ترجیح قرائات غیر اهل بیت (علیهم السلام) بررسی می شود.

اختلاف در لهجه های قاریان باعث تفاوت در قرائت ها می شده و این تفاوت ها به مسائل نحوی و (علیه السلام) در نتیجه تفسیر متفاوت از آیات منجر می شده است. بنابراین، قرائت در تفسیر قرآن تأثیرگذار است. برخی روایات وجود دارند که مشهور نیستند و از اهل بیت (علیهم السلام) نقل نشده اند. مفسرانی مانند طبرسی با نقد و بررسی این روایات و تفسیر آیات بر اساس آنها، قرائت صحیح را بیان می کنند (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۴۷). در ادامه، برخی از نمونه ها بررسی می شوند.



در آیه «صراط علی» (حجر: ۴۱)، بر اساس دیدگاه امام صادق (علیه السلام)، یعقوب، ابورجاء، ابن سیرین، قتاده، ضحاک و مجاهد، این عبارت به صورت «صراط علی» قرائت شده است، اما دیگران آن را «عَلَّی» خوانده‌اند. ابن جنی معتقد است که معنای قرائت اول، راه گرامی و شریف است، نه علو و بلندی. قرائت دوم شبیه به عبارت «الدلالة اليوم علی» است که به معنای «این راه بر عهده و با ضمانت من است» می‌باشد، مانند عبارت «صحّة هذا المال علی» (درستی این مال بر عهده من است). ابن جنی معتقد است که این معنا صحیح‌تر است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۱۸/۶). بیان دلالت تفسیری برای ترجیح قرائت صحیح، به‌ویژه برای قرائت دوم و توجه به آن، نشان از توجه به سیاق آیه دارد.

۶. ترجیح بر اساس عقیده و مذهب وی

طبرسی با تمام توان از عقاید شیعه دفاع کرده است، به‌ویژه در موارد اختلاف قرائت که اغلب قول شیعه را انتخاب می‌کند و دلایل خود را نیز بیان می‌دارد (ذهبی، بی تا، ۸۲/۲-۸۴). در مواردی که آیه‌ای به یک مسئله فقهی مرتبط باشد، طبرسی با اظهار عقیده و مذهب خود، آن را تثبیت می‌کند. به عنوان مثال، در سوره مانده آیه ۶، کلمه «ارجلکم» به دو صورت نصب و جر قرائت شده است. کسانی که به وجوب شستن پاها قائل‌اند، این کلمه را معطوف به «برءوسکم» و مجرور دانسته‌اند و معتقدند که مراد از مسح، در واقع شستن است. در این زمینه، روایتی از پیامبر (ص) نیز وجود دارد که فرمود: «وای بر این پشت پاها از آتش» هنگامی که گروهی را دید که پشت پاهايشان را در وضو نمی‌شستند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۵۲/۳). همچنین، روایت‌هایی مانند گفته اوس بن اوس که «پیامبر را دیدم که وضو گرفت و بر نعلین خود مسح کرد و نماز خواند» و گفته حذیفه که «پیامبر پس از قضای حاجت، آب طلبید و وضو گرفت و بر پاهاى خود مسح کرد»، از جمله دلایلی است که طبرسی در تفسیر خود آورده است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۵۸/۳).

مرحوم طبرسی در بیان روایت‌های مربوط به قرائت صحیح، به هر روایتی استناد نمی‌کند و آنها را با دقت بررسی می‌کند. به‌ویژه در این آیه، اعتبار روایت از باب تعبد است، چرا که آیه به مسئله‌ای فقهی مربوط می‌شود. بنابراین، طبرسی روایتی را می‌پذیرد که با عقیده و مذهب او هماهنگ است، یعنی مسح پاها. البته، باید توجه داشت که صرف تقسیم‌بندی و نام‌گذاری یک قرائت به عنوان «ترجیح»، به معنای انحصار آن قرائت به یک معیار خاص نیست. ترجیح یک قرائت ممکن است براساس معیارهای مختلفی انتخاب شود؛ مثلاً در این مورد، می‌توان اسباب النزول و روایات اهل بیت (ع) را نیز به عنوان دلایل ترجیح قرائت مطرح کرد.

۷. ترجیح قرائت مشهور

عبارت «فَلَا أُقْسِمُ» (واقعه: ۷۵) توسط حسن، ثقفی، امام علی (علیه السلام)، ابن عباس و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صورت «فلا قسم» بدون الف قرائت شده است. از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که «مواقع نجوم» به معنای رانده شدن شیاطین است که مشرکان به آن سوگند می‌خورند و خداوند می‌فرماید: «پس به آن سوگند نمی‌خورم.» ابن عباس نیز آن را به معنای «به نزول قرآن قسم نمی‌خورم» تفسیر کرده است. اما قرائت مشهور به این معناست که «سوگند به مواضع ستارگان» است و در اینجا «لا» زاید در نظر گرفته شده است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۳۹/۹). از آنجایی که طبرسی و اکثر مفسران و مترجمان، آیه را به صورت مثبت (قسم خوردن) ترجمه و تفسیر کرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که این قرائت مشهور (با در نظر گرفتن «لا» به عنوان زاید) ارجحیت دارد. شیخ طبرسی نیز برای این قرائت مشهور دلیل و توجیه آورده و در نهایت بر اساس آن به تفسیر پرداخته است، که نشان می‌دهد ترجیح او نیز بر قرائت مشهور است، نه قرائت اهل بیت (علیهم السلام).

در آیه «أَفَلَمْ يَأْسَ» (رعد: ۳۱)، امام علی (علیه السلام)، ابن عباس، امام زین العابدین (علیه السلام)، زید بن علی و امام جعفر صادق (علیه السلام) به جای قرائت مشهور «أَفَلَمْ يَأْسَ»، آن را «أَفَلَمْ يَتَيْنِ» خوانده‌اند. ابن جنی معتقد است که «أَفَلَمْ يَتَيْنِ» در واقع تفسیر «أَفَلَمْ يَأْسَ» است و نمی‌توان آن را به عنوان قرائت آیه در نظر گرفت. او اشاره می‌کند که معنای «تفحص کردن» (نه تبیین کردن) به یأس نزدیک است، زیرا وقتی کسی به جستجوی چیزی می‌پردازد و آن را اثبات می‌کند، شبیه کسی است که مأیوس شده و آن را رها کرده و به دنبال مطلبی دیگر می‌رود (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۴۵۰/۶). بنابراین، طبرسی نیز با توجه به این توضیحات، قرائت مشهور را ترجیح داده و با دلایل خود بر قرائت اهل بیت (علیهم السلام) ارجحیت داده است.

در عبارت «مِثْلُ الْجَنَّةِ» (محمد: ۱۵)، امام علی (علیه السلام) و ابن عباس آن را به صورت «أَمْثَالُ الْجَنَّةِ» قرائت کرده‌اند. طبق قرائت عامه «مثل»، معنای آن دلالت بر کثرت دارد، زیرا به معنای مصدریت اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۵۰/۹). در اینجا نیز، قرائت اهل بیت (علیهم السلام) ترجیح داده نشده و دلیلی هم برای آن ذکر نشده است. اما قرائت مشهور به دلیل ترجمه و تفسیر صحیح‌تر و ارجح‌تر به شمار آمده است. از آنجایی که طبرسی معنای قرائت مشهور (مثل) را به عنوان کثرت بیان کرده، نیازی به قرائت جمع آن نیست. از سوی دیگر، اگر لازم بود، خود قرآن جمع آن را می‌آورد.

۸. نقل عادلانه بدون گزینش قرائت صحیح

طبرسی در آیاتی که موضوع آن‌ها مسائل فقهی نیست، بدون گزینش روایتی خاص، تمامی روایات مرتبط با آن آیه را ذکر می‌کند. برای مثال، در تفسیر سوره عبس نیز به همین شیوه با روایات قرائت برخورد



کرده است. او احکامی را که به طور روشن و بی تکلف از قرآن کریم قابل استنباط هستند، با بررسی جوانب مختلف آن‌ها بیان می‌کند و در بسیاری از موارد، نظریات اصحاب و مذاهب فقهی را نیز می‌آورد. هرگاه در مورد یک حکم شرعی اختلاف نظر باشد، او به صورت منصفانه دیدگاه‌های مختلف را بدون اینکه در مقام داوری برآید، بیان می‌کند.

در مورد واژه «بالغ» (طلاق: ۳)، حفص از عاصم آن را بدون تنوین قرائت کرده و «امره» را مجرور دانسته است. دیگران «بالغ» را با تنوین و «امره» را منصوب قرائت کرده‌اند و داود ابن هند «بالغ» را با تنوین و «امره» را مرفوع قرائت کرده است. از ابن عباس، ابی بن کعب، جابر، امام زین العابدین (علیه السلام) و امام جعفر صادق (علیه السلام) نیز «تنوین بالغ و نصب امر» (یعنی به زودی امر خود را در آنچه اراده می‌کند می‌رساند) نقل شده است. کسانی که «بالغ امره» را به صورت اضافه خوانده‌اند، تنوین را حذف کرده‌اند و همین قرائت مشهور است. در قرائت با تنوین (بالغ امره)، یعنی امر او رساننده چیزی است که خدا اراده کند، بنابراین مفعول حذف شده است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۵۶/۱۰). در اینجا می‌بینیم که شیخ طبرسی تمامی قرائت‌ها را بدون ترجیح یکی بر دیگری آورده و برای هر یک دلیل ذکر کرده است. علت این امر شاید در وضوح قرائت صحیح و مشهور نهفته باشد.

در مورد کلمه «لَمُسْتَقَرَّ لَهَا» (یس: ۳۸ و ۳۹)، زید از ابو یعقوب به کسر قاف و دیگران (از جمله امام سجاد (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) و ابن عباس) به فتح قرائت کرده‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۶۶۲/۸). در اینجا نیز هیچ گزینشی در قرائت صحیح صورت نگرفته و شیخ طبرسی بدون ترجیح و بی طرفانه تمامی قرائت‌ها را ذکر کرده است.

در مورد عبارت «وَلَتَنْبُلُنَّكُمْ» (محمد: ۳۱)، امام باقر (علیه السلام) و ابوبکر «لیبلونکم» (با یاء) و دیگر قراء با نون (نبلو...) قرائت کرده‌اند. یعقوب (نبلو) را به سکون واو قرائت کرده است. ابوعلی می‌گوید: دلیل قرائت با یاء، عبارت قبل از آن «وَاللَّهِ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ» است، زیرا اسم غایب به آن نزدیک‌تر است. دلیل قرائت با نون، سازگاری با عبارت «وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ» است (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۶۱/۹). در اینجا نیز طبرسی برای هر قرائت دلیل و توجیه می‌آورد، اما هیچ‌یک را ترجیح نمی‌دهد. این ممکن است نشان‌دهنده گستردگی معنایی و تفسیری آیات و انعطاف‌پذیری در برابر قرائات و تفاسیر مختلف باشد.

در تمام این نمونه‌ها، طبرسی قرائات مختلف را بدون ترجیح ذکر کرده است. شاید هدف او از این روش، تحقیق و فراگیری علوم بیشتر در زمینه قرائت و روایت درست باشد. این انعطاف در عدم گزینش، به نوعی احترام به عقاید مختلف و جذب محققان بیشتر است تا دیگران نیز حق اظهار نظر و انتخاب دیدگاه خود را داشته باشند.

نتیجه گیری

طبرسی در بسیاری از مواقع، قرائت‌های مختلف را بیان می‌کند و دلایل و معیارهای آن‌ها را نیز ذکر می‌نماید، اما بدون ترجیح دادن یک قرائت خاص، مخاطب را در انتخاب قرائت صحیح آزاد می‌گذارد. این روش می‌تواند به دلیل وضوح و شفافیت روایت درست باشد، به طوری که نیازی به تعیین آن احساس نمی‌شود. همچنین، ممکن است انتخاب قرائت صحیح از میان چندین قرائت دشوار باشد و همین شک و تردید در انتخاب موجب شود که طبرسی از ترجیح دادن صرف نظر کند و مخاطب را به انتخاب بر اساس چهارچوب‌های دینی و عقلی خود واگذارد. این ویژگی می‌تواند هم یک مزیت و هم یک نقص به‌شمار آید.

در برخی موارد، طبرسی با توجه به معیارهایی مانند روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام، تفسیر و سیاق آیات، و قواعد ادبیات عرب، قرائت اهل بیت را ترجیح می‌دهد. اما از آنجا که در مورد همه آیات قرآن نقل و روایتی از اهل بیت علیهم‌السلام در دست نیست، بهترین روش برای ترجیح یک قرائت مقایسه آن با سایر قرائت‌ها و روایات مشابه در آن زمینه است تا بتوان به قرائت صحیح دست یافت. گاهی نیز با استفاده از مقایسه، تفسیر و ترجمه، بهترین قرائت را انتخاب می‌کند.

در برخی موارد، طبرسی ترجیح قرائت غیر اهل بیت را صحیح می‌داند، زیرا معتقد است که قرائت درست آن است که با تفسیر و سیاق آیه هماهنگی داشته باشد و حتی در برخی موارد با عقیده شخصی او نیز مغایرت نداشته باشد. او در برخی موارد قرائت مشهور و عاصم را به قرائت اهل بیت ترجیح داده است. به‌طور کلی، قرائت اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل سازگاری بیشتر با معنا و قواعد ادبی، نسبت به سایر قرائت‌ها صحیح‌ترین قرائت محسوب می‌شود. شاید این قرائت همیشه مشهورترین نباشد، اما معمولاً صحیح‌ترین است، زیرا از اصالت بیشتری برخوردار است و به همین دلیل برترین و بهترین قرائت نسبت به سایر قرائت‌ها به‌شمار می‌رود.



فهرست منابع

۱. حاجی اکبری، فاطمه، بررسی اختلاف قرائات در مجمع البیان، قم: دانشکده حدیث قم، ۱۳۹۰ ش.
۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۳. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، تهران: الثقافة الاسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
۴. دهقانی، محمد، دست رنج، فاطمه، حسن بیگی، علی، احسانی، کیوان. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی ارتباط الفاظ با معانی در قرآن کریم با تأکید بر تفاسیر؛ مجمع البیان، المیزان و تسنیم. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸(۲)، ۱۱۲-۱۳۷. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/۱۹۰۵۵۳/csq. ۲۰۲۴/۱۹۰۵۵۳/csq.
۵. دیاری بیدگلی، محمدتقی، «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی»، دو فصلنامه حدیث پژوهی، دانشگاه کاشان، سال ۳، شماره ۵، ۱۳۹۰ ش.
۶. ذوقی، امیر، ملاک‌های ترجیح قرائت و توسعه آن، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۶ ش.
۷. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، انتشارات سبحان، ۱۳۹۱ ش.
۹. زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ قرآن، تهران: منظمة الاعلام الاسلامی، بی تا، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، مترجم: ابوعبدالله زنجانی و سید مهدی حائری قزوینی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. شیخلی، بهجت عبدالواحد، اعراب القرآن، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۷ ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ ش.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، محقق: محمد مفتاح، مترجم: حسین نوری همدانی و احمد بهشتی، تصحیح: هاشم رسولی و سید آقا موسوی کلانتری، تهران: فراهانی، بی تا.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. علوی، زینب، «ترجیح روایت (ابوبکر شعبه بن عیاش) بر روایت حفص از قرائت عاصم در تفسیر مجمع البیان» دو فصلنامه علمی ترویجی مطالعات فقه اسلامی و مبنای حقوق، سال ۷، شماره ۲۶، ۱۳۹۲ ش.
۱۶. علوی، زینب، بررسی اختلاف قرائات و نظام ترجیح قرائت‌ها در تفسیر مجمع البیان، دانشگاه فردوسی مشهد (دانشکده الهیات)، راهنما: مهدی جلالی و سیدکاظم طباطبائی پور، ۱۳۹۲ ش.

۱۷. قاسمی حامد، مرتضی، محمدی انویق، مجتبی، پیرچراغ، محمدرضا. (۱۴۰۲). گونه‌شناسی اختلافات مصاحف صحابه و امصار و تأثیر آنها در پیدایش قرائات. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، (۱)۴، ۶۳-۸۴. doi: ۱۰.۱۱۷۱/jksl.۲۲۰۳۴/۳۷۶۰۳۳/۲۰۲۳
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، جامع الاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۱. گراوند، نجمه، «بررسی چگونگی تأثیر اختلاف قرائات در برداشتهای تفسیری مجمع البیان»، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال ۷، شماره ۱، ۱۳۹۲ش.
۲۲. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، محقق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مرادی، محمد، امام علی (علیه السلام) و قرآن، تهران: هستی نما، ۱۳۸۲ش.
۲۵. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۶. مؤدب و خوشنویس، سیدرضا و علی، «بررسی چپستی و جایگاه مبانی زبانی و ادبی در اختیار قرائات در تفسیر مجمع البیان»، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»، سال ۶، شماره ۲، ۱۳۹۷ش.
۲۷. نکونام، جعفر، پژوهشی در مصحف امام علی، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۲ش.
۲۸. نوری و بیدگلی، شهلا و دیاری محمدتقی، «قرائات منسوب به اهل بیت»، دو فصلنامه مطالعات قرائت قرآن، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۹۳ش.



References

1. 'Alawī, Zaynab, "Tarjīh Riwayāt (Abū Bakr Sha 'bah bin 'Iyāsh) bar Riwayāt Ḥaḥṣ az Qirā'at 'Āṣim dar Tafṣīr Majma' al-Bayān" (Preference of the Narration of Abū Bakr Sha 'bah bin 'Iyāsh over the Narration of Ḥaḥṣ from the Reading of 'Āṣim in Majma' al-Bayān's Commentary), Dū Faslnāmah 'Ilmī-Tarwījī Mutāla'āt-i Fiqh Islāmī wa Mabānī Huqūq (Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Legal Principles Studies), Year 7, Issue 26, 1392 SH (2013 CE).
2. 'Alawī, Zaynab, Barresī-yi Ikhtilāf Qirā'āt wa Nizām-i Tarjīh Qirā'āt-hā dar Tafṣīr Majma' al-Bayān (A Study of the Differences in Recitations and the System of Preference for Recitations in Majma' al-Bayān's Commentary), Ferdowsi University of Mashhad (Faculty of Theology), Supervised by Mahdī Jalālī and Seyyed Kāzīm Ṭabāṭabā'ī Pūr, 1392 SH (2013 CE).
3. Dehqānī, Mohammad, Dast Ranj, Fāṭimah, Ḥasan Bigī, 'Alī, & Eḥsānī, Kiyān, Barresī-yi Taqābulī Rabṭ al-Alwāz bi Ma'anī dar Quran-i Karīm ba Ta'kīd bar Tafāsīr; Majma' al-Bayān, al-Mizān, wa Tasnīm (Comparative Study of the Relationship of Words to Meanings in the Noble Quran with Emphasis on Exegeses; Majma' al-Bayān, al-Mizān, and Tasnīm), Mutāla'āt-i Tafṣīr-i Taqābulī (Comparative Exegesis Studies), 8(2), 112-137, 1402 SH (2024 CE). doi: 10.22034/cs.q.2024.190553
4. Dhahabī, Mohammad Hossein, Al-Tafṣīr wa al-Mufasssīrūn (The Commentary and the Commentators), Beirut: Dar Ihya' al-Turāth al-'Arabī, n.d.
5. Diyārī Bīdgī, Mohammad Taqī, "Naqsh wa Kārkard-i Riwayāt-i Tafṣīr-yi Ma 'šūmān ba Ta'kīd bar Didgāh-i 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī" (The Role and Function of Interpretative Narrations of the Imāms with Emphasis on the View of 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī), Dū Faslnāmah Ḥadīth Pizhūhī (Hadith Research Quarterly), University of Kāshān, Year 3, Issue 5, 1390 SH (2011 CE).
6. Gharāwand, Najmah, "Barresī-yi Chūnīn Tāthīr-i Ikhtilāf Qirā'āt dar Bardāsh-t-hā-yi Tafṣīr Majma' al-Bayān" (Examining the Impact of Differences in Recitations on Interpretive Understandings in Majma' al-Bayān), Faslnāmah Mutāla'āt-i Quran wa Ḥadīth (Quarterly Journal of Quran and Hadith Studies), Year 7, Issue 1, 1392 SH (2013 CE).
7. Hājī-Akbārī, Fāṭimah, Barresī-yi Ikhtilāf Qirā'āt dar Majma' al-Bayān (A Study of the Differences in Recitations in Majma' al-Bayān), Qom: Faculty of Hadith, 1390 SH (2011 CE).
8. Ḥawzī, 'Abd Allāh bin Jum'ah, Tafṣīr Nūr al-Thaqalayn (The Interpretation of the Light of the Two Heavy [Sources]), Qom: Ismā'īliyyān, 1415 AH (1994 CE).
9. Khū'ī, Seyyed Abū al-Qāsim, Mu'jam Rijāl al-Ḥadīth (Dictionary of Hadith Narrators), Tehran: al-Thaqāfah al-Islāmiyyah, 1390 AH (1970 CE).
10. Kulaynī, Mohammad bin Ya'qūb, Al-Kāfī, Edited by 'Alī Akbar Ghāfārī and Mohammad Ākhūndī, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiyyah, 1407 AH (1987 CE).
11. Kulaynī, Mohammad bin Ya'qūb, Uṣūl al-Kāfī (The Principles of the Sufficient), Edited by Seyyed Jawād Muṣṭafawī, Tehran: Islamic Scientific Bookshop, 1369 SH (1990 CE).
12. Ma'arifāt, Mohammad Hādī, al-Tamhīd fī 'Ulūm al-Quran (Introduction to Quranic Sciences), Qom: Mū'assasat Nashr Islāmī, 1415 AH (1994 CE).

13. Majlisī, Mohammad Bāqir bin Mohammad Taqī, *Bihār al-Anwār (Seas of Lights)*, Edited by a Group of Researchers, Beirut: Dar Ihya' al-Turāth al-'Arabī, 1403 AH (1983 CE).
14. Mū'addib and Khushnawīs, Seyyed Rizā and 'Alī, *Barresi-yi Chīstī wa Jāyghah-i Mabānī Zabānī wa 'Adabī dar Ikhtiyār Qirā'āt dar Tafīr Majma' al-Bayān (A Study of the Nature and Place of Linguistic and Literary Principles in the Selection of Recitations in Majma' al-Bayān's Commentary)*, Faslāmāh-yi 'Ilmī Pizhūhishī (Scientific Research Journal), Year 6, Issue 2, 1397 SH (2018 CE).
15. Murādī, Mohammad, *Imām 'Alī (a) wa Quran (Imam 'Ali (a) and the Quran)*, Tehran: Hasti Namā, 1382 SH (2003 CE).
16. Mutqī Hindī, 'Alī bin Hīām, *Kanz al-'Ummāl fī Sunan al-Aqwāl wa al-Af'āl (The Treasury of Deeds and Sayings)*, Beirut: Mū'assasat al-Risālah, 1413 AH (1993 CE).
17. Nākūnām, Ja'far, *Pajūshī dar Muṣḥaf-i Imām 'Alī (A Study of Imam Ali's Manuscript)*, Rasht: Kitāb-i Mubīn, 1382 SH (2003 CE).
18. Nūrī and Bīdgī, Shahlā and Diyārī Mohammad Taqī, "*Qirā'āt Manṣūb bi Ahl al-Bayt*" (*Recitations Attributed to the Ahl al-Bayt*), Dū Faslāmāh Mutālā'āt-i Qirā'āt-i Quran (Quarterly Journal of Quranic Reading Studies), Vol. 2, Issue 2, 1393 SH (2014 CE).
19. Qāsimī Hāmid, Murtazā, Mohammadi Anvīq, Mojtābā, & Pīrchirāgh, Mohammad Rizā, *Gūnah-shināsi-i Ikhtilāfāt-i Muṣḥaf-i Ṣaḥābah wa Amṣār wa Tāthīr Ānhā dar Paydāyish-i Qirā'āt (Typology of Manuscript Variations of the Companions and Regional Centers and Their Impact on the Emergence of Recitations)*, Faslāmāh Quran, Farhang, wa Tamaddun (Quarterly Journal of Quran, Culture, and Civilization), 4(1), 63-84, 1402 SH (2023 CE). doi: 10.22034/jksl.2023.376033.1171
20. Qurṭubī, Mohammad bin Aḥmad, *Jāmi' al-Aḥkām al-Quran (The Comprehensive Collection of the Rules of the Quran)*, Tehran: Nāṣir Khusraw, 1364 SH (1985 CE).
21. Rabbī, Maḥmūd, *Ravish-i Tafīr-i Quran (Methodology of Quranic Interpretation)*, Qom: Research Institute of the Seminary and University, Subḥān Publications, 1391 SH (2012 CE).
22. Shaykhī, Bahjat 'Abd al-Wāhid, *I'rāb al-Quran (Syntax of the Quran)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1427 AH (2006 CE).
23. Suyūfī, Jalāl al-Dīn, *Tarjumah al-Ittqān fī 'Ulūm al-Quran (Translation of al-Ittqān in Quranic Sciences)*, Translated by Abū 'Abd Allāh Zanjānī and Seyyed Maḥdī Ḥā'irī Qazvīnī, Tehran: Amīr Kabīr, 1380 SH (2001 CE).
24. Ṭabarāsī, Faḍl bin Ḥasan, *Jām' al-Jāmi' (The Comprehensive Collection)*, Qom: Seminary of Qom, 1412 AH (1991 CE).
25. Ṭabarāsī, Faḍl bin Ḥasan, *Majma' al-Bayān fī Tafīr al-Quran (The Comprehensive Commentary on the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'ārifah, 1408 SH (1988 CE).
26. Ṭabarāsī, Faḍl bin Ḥasan, *Tarjumah Tafīr Majma' al-Bayān (Translation of the Commentary of Majma' al-Bayān)*, Edited by Mohammad Muftāḥ, Translated by Hossein Nūrī Hamadānī and Aḥmad Bahshī, Corrected by Hāshim Rasūlī and Seyyed Āqā Mūsawī Kalāntarī, Tehran: Farāhānī, n.d.
27. Zanjānī, Abū 'Abd Allāh, *Tārīkh-i Quran (History of the Quran)*, Tehran: Organization of Islamic Media, n.p., 1404 AH (1983 CE).
28. Zūqī, Amīr, *Milāk-hā-yi Tarjīh Qirā'at wa Tawassu'ī An (Criteria for Preferential Reading and Its Development)*, Tehran: Imām Ṣādiq University, 1396 SH (2017 CE).